



نقاش راوی

در تاریخ نقاشی نوگرا و معاصر ایران مقوله ی ترکیب بندی عموماً بعنوان مساله ی تکنیکی در نظر گرفته شده و کمتر دیده می شود، در آثار هنرمندان تجسمی مساله ی ترکیب بندی و ساختار بگونه ای عمل کند که در تولید محتوای نقشی کلیدی بازی کند. طبیعتاً این اظهار نظر شامل استثنا ها نمی شود.

در نقاشی نوگرایی ایران مساله ی ترکیب بندی عموماً منحصر به مقوله ی سازه بندی و ساختار اثر می شود که دیدگاهی پسا رنسانسی است و محصول نگاه عصر منریسم و باروک به نقاشی و تصویر است.

در سنت نگارگری ایران اما به نظر می رسد که از دیر باز ارتباط بین گستره ای که نقاشی بر روی آن انجام می شده و مضمون و موضوع و محتوی بسیار اهمیت داشته است. روابط میان عناصر بصری، رابطه ی فیگورها با کادر، رابطه ی میان قطعه ی اصلی و روایت های فرعی و در سنت نگارگری کتاب، ارتباط میان نوشته ها و نقاشی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

امروزه در تعریف ترکیب بندی، میتوان این مفهوم را در دو بخش اصلی بررسی کرد: اول سازه بندی یا همان ساختار بصری تابلو که عموماً به عنوان تنها معنی این مفهوم دانسته می شود و در کنار آن

می توان به مقوله ی اولویت بخشی اشاره کرد که به معنی تمهیداتی است که هنرمند بر پایه ی ساختار منتخب خود در یک تابلو می اندیشد تا چشم مخاطب را در تابلو جابجا کند.

در روزگار اوج نگارگری ایرانی در مکتب هرات و تبریز صفوی ما شاهد استفاده از نوعی سازه بندی و اولویت بخشی مبتنی بر مضمون هستیم که براساس مقتضیات قصه ، ساختار تصویر شکل می گیرد ، به گونه ای که مخاطب با دنبال کردن عناصر بصری به راحتی می تواند خط روایی قطعه را دنبال کند و یا به عبارتی تصویر را بخواند. هدف ما از برپایی این نمایشگاه ، پژوهشی زمینه ای درباره ی ارتباط میان ترکیب بندی به ویژه اولویت بخشی در ساختار اثر و روایت مضمونی یک نقاشی است ، که تلاش

می کنیم آن را به شیوه های مختلف مورد تفحص و آزمایش قرار دهیم.

گالری شیرین

فرید مرشد زاده